زمان به صورتِ اصلی اش، مانندِ روزی درآمده که الله متعال آسمان ها و زمین را آفرید؛ هر سال، دوازده ماه می باشد و چهار ماهِ آن حرام است: ذوالقعده، ذوالحجه و محرّم که پُشتِ سرِ هم قرار دارند و رجبِ «مُضَر».

از ابوبکره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ الزَّمَانَ قَدِ اسْتَدَارَ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمواتِ والأَرْض: السَّنةُ اثْنَا عَشَر شَهْرًا، مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُم: ثَلاثٌ مُتَوَالِيَات: ذُو الْقعْدة وَذو الْحِجَّةِ، والْمُحرَّم، وَرجُب مُضَرَ الَّذي بَيْنَ جُمادَي وَشَعْبَان، أَيُّ شَهْرٍ هَذَا؟»: «زمان به صورتِ اصلی اش، مانندِ روزی درآمده است که الله متعال، آسمان ها و زمین را آفرید؛ هر سال، دوازده ماه می باشد و چهار ماهِ آن حرام است: ذوالقعده، ذوالحجه و محرّم که پُشتِ سرِ هم قرار دارند و رجبِ «مُضَر» که بینِ جمادی (الثانی) و شعبان است. این چه ماهی است؟» گفتیم: الله و رسولش داناترند. آنگاه سکوت فرمود، به حدی که گمان کردیم نامِ دیگری برایش بیان می کند. فرمود: «أَلَيْس ذَا الْحِجَّة؟»: «آیا ماه ذوالحجه نیست؟» گفتیم: بله؛ فرمود: «فأَيُّ بلَدٍ هَذَا؟»: «این چه شهری است؟». گفتیم: الله و رسولش بهتر می دانند. سپس سکوت نمود تا جایی که گمان کردیم نام دیگری برای آن بیان می کند. فرمود: «أَلَيْسَ الْبلْدَةَ؟»: « مگر این جا مکه نیست؟» گفتیم: بله. فرمود: «فَأَيُّ يَومٍ هذَا؟»: «امروز چه روزی است؟». گفتیم: الله و رسولش داناترند. آنگاه سکوت فرمود، تا حدی که گمان کردیم نام دیگری برایش بیان می کند. فرمود: «أَلَيْسَ يَوْمَ النَّحْرِ؟»: «آیا روز قربانی نیست؟» گفتیم:بله. فرمود: «فإِنَّ دِماءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وأَعْراضَكُمْ عَلَيْكُمْ حرَام، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا في بَلَدِكُمْ هَذا في شَهْرِكم هَذَا، وَسَتَلْقَوْن ربَّكُم فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُم، أَلا فَلا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْض، أَلاَ لِيُبلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِب، فلَعلَّ بعْض من يبْلغُه أَنْ يَكُونَ أَوْعَى لَه مِن بَعْضِ مَنْ سَمِعه»: «همانا خون و مال و آبروی شما، همانند این روز و این ماه و این سرزمین، حرمت دارند (و تعرض به جان و مال و آبروی یکدیگر، بر شما حرام است؛) شما به زودی پروردگارتان را ملاقات می کنید و شما را درباره ی اعمال تان بازخواست می نماید. مواظب باشید که پس از من با زدن گردن یکدیگر کافر نشوید. بدانید هرکس حضور دارد، باید (این سخنان را) به کسی که غایب است، برساند؛ چه بسا برخی از کسانی که این سخنان به آنها می رسد، از برخی شنوندگان حاضر، (این مسایل را) بهتر دریابند». سپس فرمود: «أَلا هَلْ بَلَّغْت، أَلا هَلْ بلَّغْت؟»: «آیا تبلیغ کردم؟ آیا تبلیغ کردم؟» گفتیم: بله. فرمود: «اللَّهُمَّ اشْهدْ»: «یا الله شاهد باش».

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم روز قربانی، در حجة الوداع خطبه می خواند. و خبر می دهد که امسال ترتیب ماه های حرام مصادف است با آنچه الله متعال تشریع نموده است، زیرا در جاهلیت ماه های حرام را تغییر داده و جابجا می کردند؛ چنانکه ماه های حرام را به تاخیر انداخته و ماه حرام را حلال اعلام می کردند و ماه حلال را حرام می دانستند؛ اما رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان فرمود که هر سال دوازده ماه دارد که عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الثانی، جمادی الاول، جمادی الثانی، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذوالقعده و ذوالحجه. و الله متعال از زمان آفرینش آسمان ها و زمین این ماه ها را برای بندگان خویش قرار داده است. همچنین ایشان بیان فرمود که چهار ماه از این دوازده ماه حرام است که سه تا از این چهار تا پشت سر هم و یکی جداست. سه ماه متوالی عبارتند از: ذوالقعده، ذوالحجه و محرم. الله متعال آنها را حرام کرده که جنگیدن در این ماه ها حرام است و هیچکس حق ندارد در این ماه ها نسبت به دیگری تعدی و تجاوزی داشته باشد؛ زیرا مردم در این ماه ها برای حج به بیت الله سفر می کنند و این از حکمت الله متعال است. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «و رجب طایفه ی مضر که میان جمادی و شعبان قرار دارد»؛ این چهارمین ماه حرام است؛ در جاهلیت مردم در این ماه به عمره می رفتند و ماه رجب را برای عمره و سه ماه دیگر را برای حج انتخاب کرده بودند. در نتیجه این شهر

نیز حرام اعلام شد و جنگیدن در آن حرام است چنانکه جنگیدن در ذوالقعده و ذوالحجه و محرم حرام است. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم از صحابه رضی الله عنهم می پرسد: این چه ماهی است؟ این چه شهری است؟ و امروز چه روزی است؟ این سؤالات را می پرسد تا توجه آنها را معطوف به این مسئله ی مهم و بزرگ نماید و می فرماید: "این چه ماهی است؟" و آنها می گویند: الله و رسولش بهتر می دانند؛ آنها بعید می دانستند که رسول الله صلی الله علیه وسلم از ماهی سؤال نماید که معروف و شناخته شده است و همه می دانستند ذوالحجه است؛ اما از ادبی که داشتند، نگفتند: این ماه ذوالحجه است؛ زیرا مشخص و معلوم بود، بلکه به حکم ادب گفتند: الله و رسولش بهتر می دانند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم سکوت می کند؛ زیرا اگر انسان سخنی بگوید، سپس سکوت کند، مردم متوجه و متنبه می شوند؛ از این جهت رسول الله صلی الله علیه وسلم سکوت نمود. ابوبکره می گوید: آنگاه سکوت فرمود، تا حدی که گمان کردیم نام دیگری برایش بیان می کند. سپس فرمود: «آیا ماه ذوالحجه نیست؟» گفتیم: بله؛ فرمود: «این چه شهری است؟». گفتیم: الله و رسولش بهتر می دانند. آنها می دانستند که مکه است اما ادب و احترام شان نسبت به رسول الله صلی الله علیه وسلم اقتضا می کرد که نگویند: یا رسول الله اینکه معلوم و مشخص است، چطور در مورد آن می پرسی؟ بلکه گفتند: الله و رسولش بهتر می دانند. سپس سکوت نمود تا جایی که گمان کردند نام دیگری برای آن بیان می کند. آنگاه فرمود: «أَلَيْسَ الْبَلْدَةَ؟»: «مگر اینجا بلدة نیست؟» بلدة نامی از نامهای مکه است. گفتند: بله. فرمود: «امروز چه روزی است؟». همانند دو مورد پیش گفتند: الله و رسولش داناترند. آنگاه فرمود: «مگر روز قربانی نیست؟» گفتند: بله یا رسول الله. آنها می دانستند که مکه حرام است، ماه ذوالحجه حرام است و روز قربانی حرام است، یعنی هر سه اینها محترم است. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «همانا خون و مال و آبروی شما، همانند این روز و این ماه و این سرزمین، حرمت دارند». رسول الله صلی الله علیه وسلم بر حرمت این سه چیز تاکید کرد: جان، مال و آبرو؛ پس هر سه اینها حرام است و حرمت دارند. منظور از خون، جان و پایین تر از آن است. اموال شامل اموال کم و زیاد می شود. آبرو شامل زنا، لواط و قذف می شود و چه بسا غیبت و دشنام را نیز شامل شود. بنابراین هتک حرمت این سه در میان مسلمانان نسبت به هم حرام است. و هیچ مسلمان حق ندارد در رابطه با برادر مسلمانش چنین رفتاری داشته باشد. سپس فرمود: «مواظب باشید که پس از من با زدن گردن یکدیگر کافر نشوید». چون اگر مسلمانان گردن یکدیگر را بزنند، کافر می گردند، زیرا جز انسان کافر کس دیگری خون مسلمان را حلال نمی داند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمان می دهد که حاضران این پیام را به افراد غایب برسانند، یعنی کسانی که حاضرند و این خطبه را شنیده اند، آن را به سایر امت برسانند و رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که چه بسا برخی از کسانی که این سخنان به آنها می رسد، از برخی شنوندگان حاضر، (این مسایل را) بهتر دریابند. این وصیت رسول الله صلی الله علیه وسلم وصیتی است برای کسانی که آن روز حضور داشتند و کسانی که تا قیامت می آیند و حدیثش را می شنوند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم می پرسد: «آیا تبلیغ کردم؟ آیا تبلیغ کردم؟» و صحابه می گویند: بله. آنگاه می فرماید: «یا الله شاهد باش».

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/10104